

سخنرانی مریم رجوی در بزرگداشت مجاهد صدیق محمد سیدی کاشانی ۲۹ آذر ۱۳۹۷

روز چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۹۷ مراسم یادبود مجاهد صدیق محمد سیدی کاشانی در اشرف ۳ برگزار شد. در این مراسم که با حضور مجاهدین خلق برگزار شد، مریم رجوی طی سخنانی گفت:

انا لله و انا الیه راجعون

سلام به همه خواهران و برادران

و سلام و درودهای بسیار به مجاهد خلق محمد سیدی کاشانی، یا همان نام صمیمی و ساده و صاحبخانه (بابا) که برای همه مجاهدین آشناست.

صدیق و والا، استوار و ثابت قدم، شریف و متین و از آن انسان‌هایی که همیشه دیدنشان و حتی فکر کردن به آن‌ها احترام برانگیز است.

انقلابی‌گری را با ادب و تواضع درآمیخته بود.

و مبارزه سخت و طولانی را با روحی لطیف و حساس عجین کرده بود.

خودش در مورد روزهای پیوستنش به حنیف نوشته است: «محمد آقا از کشتار مردم عاصی در ۱۵ خرداد ۴۲ و دیکتاتوری شاه، از سلطه ساواک و ترس مردم از آن و گرد مرگی که بر همه جا پاشیده شده بود و همچنین از کشتار کارگران کوره‌پزخانه سخن گفت و بعد در حالیکه چشم به چشم‌هایم دوخته بود، با صدایی خفه گفت: محمد چیه این زندگی؟ و سکوت کرد.

این سه کلمه مثل تیر در عمق ضمیرم نشست و تکانم داد. این جمله هرگز از خاطر من نخواهد رفت، زیرا واقعی‌ترین نتیجه‌ی بود که یک انسان مسئول می‌توانست از جمع‌بندی آن حوادث تلخ بگیرد».

و از اینجا به بعد بابا جملات و کلماتی را روی کاغذ آورده که در واقع چکیده انتخاب‌های تمام زندگی مبارزاتی‌اش بوده.

نوشته بود: «از فردای آن روز، خودم را به محمد آقا و آرمان‌ها و راهش سپردم و از هر چه غیر از آن بود، بریدم.

ما در صحبت، به روی غیر ببستیم

از همه باز آمدیم و با تو نشستیم

هر چه نه پیوند یار بود بریدیم

هر چه نه پیمان دوست بود گسستیم

این شعر، چکیده زندگی بابا بود.

پایداری او بر مواضع آرمانی مجاهدین و پایداری‌اش بر مواضع سیاسی و خطوط استراتژی سازمان در بیش از نیم قرن، یک سرمشق چشمگیر است.

در این مورد بازهم خوب است جملاتی از نوشته‌یی را بخوانم که او پنج سال پیش نوشته و اینطور گفته: «چه عاملی باعث شده به‌رغم این همه ضربه و توطئه، این مجموعه (یعنی سازمان مجاهدین) ۴۸ سال دوام بیاورد. و حالا در اوج حیات خود، سرزنده و مبارز بر سر اصول خود بایستد و به‌رغم این، بر بام جهان قرار گرفته باشد.

کدام حزب یا سازمان یا گروه دیگری، چنین وضعیتی دارد؟

حتی در میان جنبش‌های کشورهای دیگر نیز چنین چیزی نمی‌یابیم.

قانون حاکم بر جهان می‌گوید: «هیچ دستاوردی بدون پرداخت بهایش بدست نمی‌آید». قیمت این پیروزی به نظر من، فدا و صداقت است که از روز اول تأسیس سازمان، بر سر در آن نوشته شد.»

پایداری مبارزاتی و سیاسی بابا که روشن است. اما سجایای اخلاقی او هم چشمگیر بود. وارستگی‌اش، بی‌ریایی و صداقت و صفای انسانی‌اش و این‌که با جمع و سازمان‌اش یگانه یگانه بود.

و ایمان و پایبندی‌اش به انقلاب درونی مجاهدین و ارزش‌های رهایی‌بخش این انقلاب هم، وجه دیگری از شخصیت انقلابی بابا بود.

در نامه‌یی در ۲۸ آبان ۹۵ برای من نوشته بود: «انقلاب، حق حق است. به‌رغم افت و خیزها، از دل عبور می‌کند و آن وقت سازمان دیگری خواهیم داشت، خیلی قویتر و انسانی‌تر از امروز. می‌دانم که به آن مطمئن هستید.»

بله همانطور که او گفت: وقتی که می‌گوییم انقلاب یعنی چیزی که خودش را به وضوح در مناسبات میان انسان‌ها ظاهر می‌کند. یعنی روابطی براساس یگانگی. این رویکردی است که بابا از نمونه‌های تحسین‌برانگیزش بود.

هر کس که از دور یا نزدیک بابا را می‌شناخت می‌تواند گواهی بدهد که او چقدر وارسته و متواضع بود و چقدر قدرشناس.

او کسی بود که توسط حنیف کبیر عضوگیری شده بود، بیش از نیم قرن سابقه تشکیلاتی داشت، آن‌همه سابقه مبارزاتی ستایش‌انگیز داشت. آن‌همه برای سازمان افتخار آفریده بود.

ولی در مناسباتش با خواهران و برادرانش بیش از هر چیز افتادگی و بدهکاری و خضوع دیده می‌شد. و پیشتر در انقلاب.

بی اغراق باید گفت که در این سالیان صدها مسئول را اثبات کرد. البته با سربلندی پر از انرژی و پر از شادابی، پر از نشاط و پر از مسئولیت‌پذیری.

با اشتیاق و اصرار در انجام هرکاری که می‌توانست به جمع مجاهدین خدمت کند، داوطلب می‌شد. کار و مسئولیت برایش رنگی از کرسی و کار سیاه و سفید نداشت و از روی نیاز مبارزاتی و انقلابی خودش به آن مشتاق بود.

در عین حال می‌دیدیم که چقدر سرزنده است.

آن‌هم با وجود بیماری‌های طولانی و مزمن. با این‌که به‌شدت از نظر جسمی تحلیل رفته بود. ولی شادابی و صفا و صمیمیت را که از روحیه جنگنده و انقلابی‌اش ناشی می‌شد، تا آخرین روز حیات حفظ کرد.

آن‌چنان سرزنده و شاد بود که انگار نه ۵۳ سال پیش، بلکه همین دیروز، مبارزه و آرمان مجاهدین را انتخاب کرده است.

او هم‌چنین نمونه برجسته‌یی از انضباط انقلابی و پایبندی به ضوابط و روابط مجاهدین بود.

در نقشه مسیر خودش در شب‌های قدر نوشته است: «در روز شهادت مولای تاریخی‌مان علی بن ابیطالب (ع) هستم و نقشه مسیرم در سال ۹۷ را می‌نویسم. رهبر و امامی که حاضر بود تمامی جهانی را که تحت اختیارش بود بدهد، ولی به یک مورچه ستم نکنند. ما مجاهدین، تحت رهبری برادر مسعود افتخار می‌کنیم پیروان چنین امامی هستیم؛ پاک‌ترین، شجاع‌ترین و رادیکال‌ترین رهبر تاریخ جهان؛ دشمن ستمگران و یار ستم‌دیدگان .

حتما می‌دانید که بخشی از بیلان فعالیت‌های ماندگار بابا کار ارزشمندی بود که از همان سال‌های زندان شاه برای تولید و خلق آثار موسیقی و ترانه سرودهای سازمان انجام داد. این سرودهای زیبا که هنوز تازگی و تأثیرش را حفظ کرده، عمدتاً تحت هدایت او ساخته شده است.

در فاز سیاسی (۱۳۶۰-۱۳۵۷) سرودها و ترانه‌های مجاهدین غوغا می‌کرد. به‌خصوص برای نسل میلش در سراسر ایران. و بابا یکی از کادرهای ارزنده مجاهدین در پیشبرد این فعالیت‌ها بود. در آن‌موقع بسیاری از موسیقی‌دانان صاحب‌نام ایران تحت تأثیر شخصیت او بودند و در ساختن سرودهای سازمان، همکاری صمیمانه‌یی داشتند که در این جا به همه آن‌ها درود می‌فرستم.

و درود می‌فرستیم به مجاهدانی مثل ابوالفضل رستگار که در این زمینه با بابا همکاری می‌کرد و در سال ۶۰ شهید شد.

یا مجاهد خلق مسعود عدل که در فروغ جاویدان به شهادت رسید.

یا ابوالقاسم محمدی ارزنگی، که در قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ شهید شد. درود بر همه آن‌ها. البته فعالیت‌ها و کارهای برادر بزرگوارمان محمد سیدی کاشانی در ساختن این آثار موسیقی یک کار معمولی نیست.

کسانی که با او از نزدیک کار کرده‌اند، گواهی می‌کنند که چقدر وسواس و کیفیت به خرج می‌داد و چه ظرافت‌هایی را اعمال می‌کرد. و به‌خصوص روحیه مجاهدی و انقلابی را در خلق این آثار به کار می‌گرفت. سال گذشته، بابا کتابی منتشر کرد که به‌طور خلاصه این فعالیت‌ها را شرح داده بود. اسم کتاب، سمفونی مقاومت است.

و من امروز که به این کتاب نگاه می‌کردم، دیدم در واقع زندگی خود او سمفونی مجسم مقاومت بوده است. بابا در این کتاب نوشته است: «آنچه من در نگارش این سطور در نظر داشته‌ام، دفاع از پیام‌ها و کلمات حقه‌یی است که ترانه‌ها، سرودها و سرودهای این چند دهه حامل آن بوده است.

دفاع از کلمه مقاومت، کلمه آزادی، یا: صدق، فدا، برابری، تسلیم‌ناپذیری، ارتش آزادی‌بخش، سرنگونی و انقلاب» درود بر او. درود بر روح پرفتوح این مجاهد والا

در توضیح اینکه چرا بقول خودش، هنر پایداری ضروری است، در همین کتاب می‌نویسد: «سمفونی مقاومت؛ موسیقی شریف‌ترین امیدها و آرمان‌های بشری است. و روزی هم که انسان در سرآغاز تاریخ آگاهی خود به هنر رو آورد، زمانی بود که به فکر تغییر افتاد.»

و باز هم می‌نویسد: «موسیقی برای سمت‌دادن عاطفه‌ها و عشق‌ها و ظرفیت‌های انسانی برای تغییر جهان است؛ برای یک نظم نو و بسامان بر اساس آزادی و برابری. خلق و خوی پایداری، روحیه پرسش و ناخرسندی و نارضایتی از وضع موجود که روحیه اعتراض را دامن می‌زند.

سلاح پر قدرتی است برای آماده‌سازی ذهنی، انگیزش امید، چیره شدن بر رعب، ترویج آگاهی و طرح ایده‌های پیشرو و مشخصاً آزادی، برابری، نفی مردسالاری و نفی جنسیت‌زدگی.»

یک ویژگی دیگر این مجاهد صدیق که همه ما بارها در صحبت‌ها و اظهارنظرها و در رفتار و مواضع‌اش می‌دیدیم، عشق و علاقه وافرش به مسعود رجوی بود.

در یکی از نوشته‌هایش درباره وقایع مربوط به تاریخ سازمان اینطور توضیح داده که: «اگرچه حنیف رفت، اما ارزش‌ها و آرمانش توسط مسعود حفظ و بارور شد.

و بر مبنای همان ارزش محوری و پایه‌یی یعنی فدا و صداقت، رهبری پاکباز مجاهدین توانست این قافله را از تنگناها و پیچ‌های خطرناک تاریخی و از هفت‌دریای آتش و خون عبور دهد. و توانست کشتی مقاومتی را که مجاهدین در محور آن بودند از توفان‌های سهمناکی که بیشتر راهیان را به کام کشید و نابود کرد، عبور دهد.»

و در جای دیگری اولین روز دیدارش با مسعود رجوی را توضیح می‌دهد که در ۳۰ مرداد ۱۳۴۹ در پایگاه شهید حسن سلامه فلسطینی‌ها بوده. و بعد از این می‌نویسد: «در یکی از همان روزهای اول با رضا رضایی قدم می‌زدیم. او درباره ویژگی‌های کارها و برخوردهای مسعود صحبت کرد و اضافه نمود، محمد آقا، مسعود را خیلی دوست دارد.

این جمله رضا در ذهنم ماند تا زندان اوین در سال ۵۴ که اپورتونیست‌های چپ نما سازمان را متلاشی کرده بودند.

در آنروزها، مسعود با وجود خطر انتقال به کمیته و دوباره شکنجه شدن، با تلاش شبانه‌روزی و با تدوین جزوات ایدئولوژیک و تشکیلاتی، سازمان را احیاء کرد.

آنجا یاد جمله رضا رضایی افتادم. و یک بار دیگر فهمیدم علت توجه خاص حنیف بزرگ به مسعود چه بوده و چه چیزی در ناصیه او و آینده‌اش می‌خوانده است.»

سلام و درود بر این انقلابی سرفراز

حقیقتا که او مجاهد زیست. مجاهد از جهان ما پرکشید و به رفیق اعلی پیوست.

در این لحظه، روح او شاد و مسرور است. سرفراز، رستگار، یگانه و آرام‌یافته.

جسم او در میان ما نیست. اما با فضیلت‌ها و ارزش‌های مجاهدی‌اش در صفوف مجاهدین و مقاومت ایران جاودانه است.

به راستی که او از مظاهر شرف و پایداری و نمونه سرفرازی در زمانه ماست.

قلب من و شما در فقدان چنین مجاهدانی همواره اندوهگین می‌شود. اما مطمئنم که او در وجود تک تک شما و در ارزش‌های شما و تعهدات شما و سوگندهای شما حاضر و ناظر است. بی‌شک در روز آزادی ایران زمین او و همه جاودانه فروغ‌ها در کنار خلق محبوبشان حاضر خواهند بود.

درود بر مجاهد صدیق محمد سیدی کاشانی